



## عاقبت مشترک برجام و برج‌امیان

مجتبی اصفری

یک بار دیگر پس از بروز عواقب رفتار انفعالی دیپلمات‌های دولت در عرصه بین‌الملل، جریان انقلابی اصیل به داد منافع ملی رسید. ماجرا از این قرار است که در موقعیت تاریخی و مهم نقض‌های مکرر برجام و در آستانه وضع تحریم‌های جدید علیه ایران در حوزه‌های مختلف نظامی، سایبری و حقوق بشری، برخی دولتی‌ها همچون «محکومان ابدی» در انتظار لطف و کرم کدخدا صحنه بدعهدی دشمن را با سکوت هنری، دنبال می‌کردند. غربی‌ها نیز با گردنکشی، اجرای تعهدات برجام توسط ایران را کافی ندانسته و سنت قدیمی «پاده‌خواهی» را با تمسک به «روح برجام»، به بازی «آنچه از شما خواستهایم» تبدیل کردند.

در چنین فضایی بود که اعتراض ملیج رئیس کل بانک مرکزی در شورای روابط خارجی آمریکا به سیاست‌های این کشور و اعتراف مهم در گفت‌وگو با خبرگزاری اقتصادی بلومبرگ، حقانیت حامیان منافع ملی را بار دیگر نشان داد. با وجود خشکسختی سیف، رسانه‌های غربی و حتی طرفدار دولت، در رفتاری عجیب تلاش رئیس بانک مرکزی برای اعمال فشار بر آمریکایی‌ها با بیان واقعیت مبتنی بر «هائیدی تقریباً هیچ» ایران از برجام» را به دست‌ان پر توان «سانسورچی» سپردند اما اصولگرایان با جریان‌سازی رسانه‌ای، واکنش حیثیتی موگرینی در مقام دفاع «شخصی» از برجام را برانگیختند و نقض عهد آمریکا را مهم و مسأله‌ای جدی در جامعه ایرانی معرفی کردند. ضرب‌دهی داخلی انقلابی‌ها به اظهارات رئیس بانک مرکزی، منجر به ایجاد موج خبری در رسانه‌های خارجی نیز شد و پیام لبریز شدن صبر ایرانیان از «بازی دوگانه اوباما و اتحادیه اروپایی» را به گوش خصومت‌ورزان غربی رساند.

آب در آسیاب دشمن

این همان پتانسیل درونی است که بارها در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، از ظریف و همکارانش خواستیم انرژی آن را در جهت تامین حداکثری منافع ملی به کار گیرند اما نمی‌دانیم «روحیه غربگرایی»، «عتماد به نفس پاپیسن» یا «مركز بر گفت‌وگوهای محرمانه» در ساختمان برادران را کف‌منجر به «فراطی» و «جنگ‌طلب» خطاب کردن چپه خودی بچه‌های انقلاب شد یا علتی دیگر! در هر حال برخی در داخل ترجیح دادند حمایت از گفتمان سازی دشمن در تقسیم جامعه ایرانی به «خوب‌ها و بدها» و تلاش برای «حذف یا تغییر انقلابیون» را به جای اجرای نسخه ضد بازی حرفه‌ای جان کری با تمرکز بر خواسته‌های جمهوری خواهان، کنگره، نتانیاهو و حتی فابیوس فرانسوی در مذاکرات، در پیش گیرند. خوب است یادآوری شود در بحبوحه مذاکرات، مشاور رئیس‌جمهور در سیمای ملی حاضر شد و به جای ایجاد فشار رسانه‌ای بر آمریکا و طرف‌های مذاکره با تمرکز بر مطالبات بر زمین مانده مجلس و انقلابیون، به قصد امتیازگیری حداکثری از حریف، از ایرانیان خواست «اوباما را درک کنند» چرا که توسط مهبینویست‌ها و جمهوری خواهان تحت فشار است!

رومی ما حساب کنید!

عینا همین ماجرا را متأسفانه در گزارش وزارت امور خارجه از برجام به مجلس شورای اسلامی مشاهده می‌کنیم. در این گزارش مفصل و مطول عملکرد ۳ ماهه وزارت امور خارجه با تکرار برخی مفاد برجام، ارائه شده و ناپاورانه شاهدیم عامل بدعهدی و فریبکاری غرب، برخی رفتارهای داخلی در ایران عنوان شده و با متهم کردن ایران، از شرکت‌های آمریکایی رفع اتهام شده است!

تحلیل بدبینانه این گزارش را می‌توان بر تلاش «انتخاباتی» بخشی از بدنه دولت برای حفظ موقعیت استراتژیک اما تخیلی «معتد مطنین غرب در ایران» استوار کرد که حتی در شرایط بدعهدی طرف آمریکایی نیز بر «برنامه تغییر» مدنظر دولت ایالات متحده با سرافصل «عمل به روح برجام» پای می‌فشارد. در همین حال، مرور مقالات منتشر شده در ۲ روز اخیر در پایگاه‌های رسانه‌ای نتولیربال‌ها نشان می‌دهد تلاش این طیف در آمریکا برای اجرای سریع «عملیات نجات برجام» با اعلای امتیازات کوچک و محدود به دولت روحانی آغاز شده است. ادامه در صفحه ۵

حمله جدید حسن روحانی به منتقدان دولت پس از اعتراف رئیس بانک مرکزی به سنگ اندازی آمریکا در لغو تحریم‌ها

# غیرت کجاست؟!!

صفحه ۲



عکس: President.ir

۲ رویکرد در روانشناسی موافقان برجام

## منشأ سکوت و پرخاشگری‌های پس‌ابرجام

این ایام) و انحراف از موضوع( تیتیر کردن شایعات غیرموقق در روزنامه‌های اصلاح‌طلب) در رفتارهای آنان «طبیعی» شده است. اما از منظر دیگری نیز می‌توان به «روانشناسی برجام» پرداخت. نظریه «داغ» یا «تنگ» گلفمن می‌تواند در این روانشناسی به ما کمک کند. نظریه «داغ» به هویت‌های خدشه‌دار شده اشاره دارد و می‌گوید: افراد از ۲ نوع داغ یا ننگ رنج می‌برند: داغ بی‌اعتباری و داغ احتمال بی‌اعتباری. منظور از داغ بی‌اعتباری آن است که افراد در آن از واقعیتی ننگ‌آلود رنج می‌برند. این واقعیت ننگ‌آلود می‌تواند در گذشته، ظاهر یا شخصیت افراد باشد. کنشگر در این نوع داغ می‌داند که دیگران از واقعیت ننگ‌آلود با خبرند، از این جهت می‌کوشد رفتارهایی داشته باشد که موجب تنش نشود. در واقع کنشگر فضا را مدیریت می‌کند.

داغ احتمال بی‌اعتباری نوع دوم است. زمانی که دیگران از هویت ننگ‌آلود خبری ندارند و این احتمال وجود دارد که به این مسأله بی‌بیرند. در این‌باره فرد می‌کوشد این مسأله را پنهان کند. از این روی رفتارهای وی طوری مدیریت می‌شود که در ادامه نیز این داغ و ننگ پنهان بماند.

از این منظر می‌توان برخی تحلیل‌ها پیرامون «هویت برجام» و ماهیت آن را مورد بحث و بررسی قرار داد. یعنی متنی که در برجام مورد توافق قرار گرفته دارای مسائلی است که در فرآیند زمانی «احتمال بی‌اعتباری» آنها می‌رود. لذا تلاش کنشگران موافق برجام آن است که این نقاط پنهان بمانند: از جنس آنچه در رفتارهای عراقچی و مشکلات ناشی از تحریم‌های باقیمانده، برای جماعتی که مبدأ تمایل خود را توافق با غرب قرار داده بودند، راضی‌کننده نیست. از این جهت پرخاشگری(که در رفتارهایی مانند حمله‌های زنده به منتقدان برجام ظهور و بروز دارد)، افسردگی (از جنس سکوت برخی طرفداران پروپاقرص برجام در

برای تصمیمات فرد در نظر گرفته می‌شود، چرا که سمت و سوی اراده آدمی را مشخص می‌کند. حکما و فلاسفه اراده را نتیجه میل شدید می‌دانند. ملاصدرا شیرازی تصریح می‌کند: «میل و شوق شدیدی که از عقل عملی منشأ می‌گیرد، اراده نامیده می‌شود». شوق شدید، مفهومی متمایز از شوق است. رفتار و افعال انسان، برآیند گرایش‌ها و تدبیرهای گوناگون او است که شوق‌های مختلفی را در او برمی‌انگیزاند. با این همه، «شوق» به تنهایی منشأ افعال آدمی نیست، بنابراین غلبه «شوق» بر گرایش‌ها و تمایلات دیگر(تمایلات شدید» از این منظر قابل تحلیلند. منظومه «برجام» با همه شوق و نهادها و افراد پیرامونی‌اش، موافقان و منتقدان و مخالفان و عملکرد طرفین معامله، فارغ از این قاعده نیست. در حالی که این روزها، بخش مهمی از پیش‌بینی‌های منتقدان برجام، پیرامون اشکال متن و البته تاکید بر نقض عهد طرف مقابل، در صحنه سیاست روی عمل به خود گرفته، ناظرانی هستند که سوال‌هایی دارند. آنها می‌پرسند موافقان که دیروز در شادباش «صبح بدون تحریم» و بی‌توجه به واقعیت‌ها، مست از جام تهی بودند، چرا امروز و پس از روشن شدن حقایق پیرامونی برجام، یا سکوت پیشه کرده‌اند، یا پرخاش می‌کنند، یا به انحراف افکار عمومی مشغولند؟

تحلیل‌های روانشناسی می‌تواند به ما در مشخص کردن چرایی رفتار موافقان بی‌چون و چرای برجام کمک کند؛ بدین جهت در این نوشته از ۲ رویکرد «مبدأ تمایل» و نظریه «داغ» برای تحلیل رفتار «برجامی»‌ها که غالباً از طرفداران رسانه‌ای دولت و اصلاح‌طلبان هستند استفاده می‌کنیم. مبدأ میل را می‌شود مبدأ اراده دانست. آنجا که شوق به امور مختلف، از شهوت و عقل، درگیر هستند و شوقی بر شوق‌های دیگر غلبه دارد، مبدأ میل را می‌توان مشخص کرد. مبدأ میل در مطالعات روانشناختی شاخصه مهمی

**نگاه** **محمد رضا کردلو:** پرخاشگری و مباحثات سیاسی و محاجه‌ها و مجادله‌ها پیرامون موضوعات سیاسی و اجتماعی و تحولات گوناگون، خیلی بیشتر از جنبه‌های دیگر، وجوه روانشناختی دارد. روانشناسی سیاسی اگر چه - در میان علوم سیاسی - علم تازه‌ای است اما گویا گره‌گشاگر است. تحلیل‌های مبتنی بر روانشناسی سیاسیون و پدیده‌ها، دقیق‌تر به نظر می‌نماید؛ آنجا که می‌تواند پیش‌بینی‌های منطقی‌تری از عالم سیاست داشته باشد، رفتارها را تجزیه و تحلیل کند و راهکارهای عملی‌تری ارائه کند. غالب پدیده‌های سیاسی از این منظر قابل تحلیلند. منظومه «برجام» با همه شوق و نهادها و افراد پیرامونی‌اش، موافقان و منتقدان و مخالفان و عملکرد طرفین معامله، فارغ از این قاعده نیست. در حالی که این روزها، بخش مهمی از پیش‌بینی‌های منتقدان برجام، پیرامون اشکال متن و البته تاکید بر نقض عهد طرف مقابل، در صحنه سیاست روی عمل به خود گرفته، ناظرانی هستند که سوال‌هایی دارند. آنها می‌پرسند موافقان که دیروز در شادباش «صبح بدون تحریم» و بی‌توجه به واقعیت‌ها، مست از جام تهی بودند، چرا امروز و پس از روشن شدن حقایق پیرامونی برجام، یا سکوت پیشه کرده‌اند، یا پرخاش می‌کنند، یا به انحراف افکار عمومی مشغولند؟

تحلیل‌های روانشناسی می‌تواند به ما در مشخص کردن چرایی رفتار موافقان بی‌چون و چرای برجام کمک کند؛ بدین جهت در این نوشته از ۲ رویکرد «مبدأ تمایل» و نظریه «داغ» برای تحلیل رفتار «برجامی»‌ها که غالباً از طرفداران رسانه‌ای دولت و اصلاح‌طلبان هستند استفاده می‌کنیم. مبدأ میل را می‌شود مبدأ اراده دانست. آنجا که شوق به امور مختلف، از شهوت و عقل، درگیر هستند و شوقی بر شوق‌های دیگر غلبه دارد، مبدأ میل را می‌توان مشخص کرد. مبدأ میل در مطالعات روانشناختی شاخصه مهمی

## دیپلماسی دلاری سعودی علیه ایران و ادامه مباحثات دولت

مهدی مهدوی گنگانی

### روزنه

نشست جنجالی سازمان همکاری اسلامی عصر جمعه به وقت استانبول در حالی پایان یافت که عدم تفاهم اعضا موجب شد بیانیه پایانی قرائت نشود. به همت سعودی‌ها ۴ بند علیه ایران و حزب‌الله در بیانیه رسمی سیزدهمین دوره اجلاس سازمان همکاری اسلامی گنجانده شد؛ بندهایی که به گفته دکتر سیدعباس عراقچی، معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه با وجود آنکه با مخالفت ایران و گروهی از کشورهای همراه شده، رئیس این دوره از اجلاس و همچنین کشورهای همراه با عربستان، این بیانیه را تصویب‌شده قلمداد کردند.

اگر چه رئیس‌جمهوری و هیات همراه در اعتراض به مفاد بیانیه در نشست پایانی حاضر نشدند با این وجود انتقادات زیادی نسبت به سیاست‌های دولت در قبال مسائل مهم سیاست خارجی بویژه علیه رژیم آل‌سعود وارد است همچنانکه پیش از این نیز در این زمینه بارها گفته شده و نسبت به آن هشدار داده شده بود. از زمان روی کار آمدن دولت، رژیم آل‌سعود مجموعه‌ای از سیاست‌های خصمانه و غیرمسالمت‌آمیز را علیه جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است و از همان روز اول مشخص بود حکومت جدید آل‌سعود در برابر ایران شمشی را از رو بسته است. رفتارهای غیراخلاقی پلیس فرودگاه جده علیه ۲ نوجوان ایرانی، فاجعه منا و شهادت ۵۰ تن از حجاج ایرانی و عدم پذیرش مسئولیت فاجعه از سوی مقامات آل‌سعود، تباخی ریاض و واشنگتن برای پایین آوردن قیمت نفت، انفجار ساختمان سفارت ایران در بیروت و شهادت رابین فرهنگی ایران، کارشکنی در مسیر مذاکرات هسته‌ای، تطمیع کشورهای منطقه مانند بحرین، سودان، جیبوتی... و برای قطع رابطه با ایران، خرید قطعه‌ها ضدایرانی در شورای حقوق بشر سازمان ملل و اعدام مرحوم شهید آیت‌الله شیخ «باقر النمر» روحانی شیعه نمونه‌های سیاست‌های ضدایرانی و مقابله‌جویانه حکومت آل‌سعود علیه ایران طی ۳ سال گذشته است.

بسیاری از گروه‌های سیاسی داخل کشور و منتقدان دولت به موازات این اقدامات خصمانه، از همان ابتدا به دولت و وزارت خارجه توصیه کردند سیاست مباحثات و سازش را کنار بگذارند و در مقابل رویکرد خصمانه ریاض سیاست متناسب را در پیش بگیرند. با این وجود دستگاه سیاست خارجی ایران بر رویکرد خود همچنان پافشاری و اصرار کرد و امید داشت رویکرد ریاض تغییر کند. به‌رغم هشدارهای منتقدان، وزارت امور خارجه نتواند هیچ پاسخی به سیاست‌های خصمانه عربستان نداد بلکه پالس‌هایی

www.vatanemrooz.ir

در یافت پیام‌ها شما در شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱